



## مقدمه

برخلاف تصور بسیاری از اندیشمندان و سیاستگذاران ایرانی، قدرت‌گیری اخوان المسلمین در مصر تحولی در روابط ایرانی - عربی به بار نیاورد. گذشته از دلایل این واقعیت، آنچه مهم است پتانسیلی است که در رابطه با اخوان المسلمین در سطح منطقه‌ای وجود دارد. پس از سرنگونی مرسى، جریان منطقه‌ای اخوان تحت حمله‌ای کم‌سابقه قرار گرفت و به رغم داشتن حامیان منطقه‌ای - از جمله قطر و ترکیه - نتوانست جایگاهی که پیش از کودتای ۲۰۱۳ مصر به دست آورده بود را حفظ کند. قدرت‌گیری ملک سلمان در عربستان و اولویت دادن وی به مبارزه با «تهدید ایران» به جای «تهدید اخوان» - که توسط ملک عبدالله توأمان دنبال می‌شد - سبب شد اخوان در برخی از کشورهای منطقه با گشایش‌هایی سیاسی روبرو شود. با این حال، تبدیل شدن پروژه مستقل اخوان المسلمین به ابزاری در زدوبندهای منطقه، برای اخوانی‌ها و حامیان آن‌ها به هیچ‌وجه قابل قبول نبوده و نیست.

در نتیجه انتظار می‌رفت اخوان المسلمین تحرکی مستقل در سطح منطقه در پیش بگیرد. یکی از حوزه‌های اصلی برای ترسیم و در پیش گرفتن سیاستی مستقل، در رابطه این جریان با ایران بود. به نظر می‌رسد اخوان المسلمین و حامیان آن در حال بازبینی رابطه خود با ایران باشند. دو نشانه اصلی در این زمینه بروز کرده است:

۱. سیاست متفاوت قطر در قیاس با گذشته در مورد عراق و ایران و دیدارهایی که گفته می‌شود وزیر خارجه قطر با مقام‌های ایرانی در عراق صورت داده است. همچنین سخنان امیر قطر در اعتراض به تلاش‌های ریاض برای عزل ایران، نشانه دیگری در این زمینه است. این دیدارها و سخنان، تنش دوحه با ریاض را به سطحی کم‌سابقه رسانده است؛
۲. منتشر شدن مطلبی از دبیرکل سابق حزب کار اسلامی اردن و از اعضای بلندپایه اخوان المسلمین اردن در مورد سیاست منطقه‌ای ایران و ضرورت بازبینی در نحوه تعامل با ایران و عدم قرار دادن آن به جای اسرائیل به عنوان دشمن اول است؛

## ایران و اخوان المسلمین: فرصت‌های نوین؟ ۲

به نظر می‌رسد اخوان المسلمین را به چارچوب رفتاری نوینی رهنمون کرده است.

تضاد عربستان با پشتیبانی قطر از اخوان المسلمین و طرفداری ترکیه از قطر در این نزاع، گویای احیای محور اخوانی در برابر محور موسوم به اعتدال عربی برای بار دوم است. نگاهی به لیست افراد و موسساتی که از سوی چهار کشور تحریم‌کننده قطر تحت عنوان تروریستی منتشر شد، گویای جنبه ضد اخوانی غالبی است که نمی‌تواند از سوی ترکیه و قطر پذیرفته شود. ترکیه به رغم دوری از تنش گفتمانی با عربستان در بحران محاصره قطر، آشکارا سیاستی در پشتیبانی از دوحه اتخاذ کرده است. افزون بر ترکیه، طبعاً جریان اخوانی منطقه از جمله در عراق، سوریه و دیگر کشورهای منطقه، در دعوی یادشده در کنار قطر قرار گرفته و یا خواهند گرفت.

بدین ترتیب، در شرایط جدید با نوعی بازتعریف نظم منطقه‌ای روبرو هستیم. در این نظم، جریان اخوانی و حامیان آن در منطقه، به تدریج راه خود را در تحولات کلان خاورمیانه از راه عربستان جدا می‌کند. در این معنا، ورود متغیر ترامپ به معادلات خاورمیانه و نمایش اقتدار در اجلاس‌های سه‌گانه ریاض، برخلاف تصوّر عربستان، نه تنها به هیمنه آن بر تصمیم‌سازی‌های جمعی عرب‌ها و مسلمانان بر علیه ایران کمک نکرد بلکه به شکاف‌هایی انجامید که به تدریج به خروج اخوان از این هیمنه کشیده می‌شود.

در نظم منطقه‌ای در حال بروز در مرحله پیش رو، روابط اخوان منطقه با عربستان به هیچ‌وجه به شکل دوره پیش از تحریم و محاصره قطر باز نخواهد گشت. پافشاری قطر بر استقلال خود و مواجهه آن با تصمیم جمعی چهار کشور محاصره‌کننده، گویای آن

۳. تحول تدریجی بروز یافته در سیاست حماس در قبال ج. ا. ایران و سخن از دیدار اسماعیل هنیه از ایران پس از سال‌ها تردید و بی‌تصمیمی در مورد اختلافات ایرانی - سعودی.

اخوان المسلمین در ارتباط با پرونده‌های اصلی منطقه از جمله و به ویژه سوریه و سپس یمن، اختلافاتی جدی با ایران داشته و دارد. با این حال، از منظر راهبردی، این جریان اولویت‌هایی در منطقه دنبال می‌کند که مستقیماً با ایران در تضاد نیست بلکه گاه با سیاست‌های منطقه‌ای ایران در یک راستا قرار می‌گیرد. از جمله این محورها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. مخالفت با جایگزینی ایران به جای اسرائیل به عنوان دشمن نخست عرب‌ها و مسلمانان؛

۲. طرفداری از گفتگوی شیعی - سنی، اگرچه چهره‌هایی همچون قرضاوی از آن برگشتند، اما برای نمونه بنی‌ارشید مجدداً بر آن تأکید کرد؛

۳. مخالفت با همراهی با گفتمان و کنش ضداسلامی ترامپ و همراهی محور موسوم به اعتدال عربی با آن - که به سود اسرائیل و با محوریت تضاد با ایران صورت می‌گیرد؛

۴. مخالفت با هیمنه عربستان بر تصمیم‌سازی عربی و اسلامی.

نکته مهم آنکه پس از سرنگونی مرسی و تضعیف اخوان در منطقه، این جریان همراهی با عربستان را تا حدی پذیرفت. در واقع در آن برهه، اخوان جایگزینی جدی نداشت. اما پشتیبانی عربستان و به ویژه امارات از نظام سیسی، تضاد این دو به ویژه امارات با نظام اردوغان (که به پشتیبانی مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها از کودتاگران انجامید) و بهره‌گیری ابزاری عربستان از حزب اصلاح یمن در برابر حوثی‌ها،



### ۳ ایران و اخوان المسلمین: فرصت‌های نوین؟

است که نباید انتظار اعاده وضعیت به پیش از محاصره باشیم. طبعاً ایالات متحده تلاش خواهد کرد این اختلاف التیام یافته و مشکلات درون عربی، سودی برای ایران در بر نداشته باشد. اما واقعیت جدایی اخوان از عربستان، در آینده روشن‌تر خواهد شد. بنابراین، برخلاف دو محور ضدایرانی و طرفدار ایران در خاورمیانه، در آینده با سه محور مقاومت، اخوانی و محور موسوم به اعتدال عربی در این منطقه مواجه خواهیم بود.

